

الگوی سوم زن مسلمان و چالش‌های رسانه‌ها و فضای مجازی

مینو محبی^۱

چکیده

زن از دیدگاه اسلام یک شخص توحیدمحور و تمدن‌ساز است اما در دوران جنگ ترکیبی معاصر دشمن از طریق فضای مجازی به دنبال این است که این تمدن‌سازی را از زن بگیرد. مسئله مهم در بازنمایی واقعیت توسط رسانه‌ها این است که یک رسانه هیچگاه ابزار خنثی و یک میانجی بی طرف در ارائه تصویر به حساب نمی آید رسانه متکی به زبان و معناست و زبان و معنا نیز در چارچوب گفتمان همواره متکی بر قدرت است لذا بازنمایی حوادث توسط رسانه‌ها بدون در نظر گرفتن جنبه اخلاقی آن سوگیری ایدئولوژیکی دارد. زن امروزه معنا و مفهوم خودش را در جامعه از دست داده است البته متاثر از فرآیندهای رسانه‌ای و تصاویر و انگارسازی‌های ذهنی‌ای بوده و طی سال‌های گذشته چه در داخل و چه در خارج کشور صورت گرفته و زن را از تعریف و جایگاه حقیقی خودش دور کرده است. ما درصدد هستیم که چالش‌های پیش روی زن مسلمان را در فضای مجازی بررسی کنیم و به آن بپردازیم. در این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی به این موضوع پرداخته شده است و از حیث جمع آوری داده کتابخانه‌ای می باشد.

واژگان کلیدی: الگوی سوم زن مسلمان، حجاب و عفاف، چالش رسانه‌ها و فضای مجازی.

۱. طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه نرجسیه سنقر.

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یکی از مسائلی که به شکلی جدی مورد بحث و توجه افکار عمومی ایران و جهان قرار گرفت موضوع «زن» بود، این نگاه جدید در قالب کنش‌گری و فعالیت «زنِ مسلمان ایرانی» عینیت یافت و به تعبیر حضرت آیت الله خامنه‌ای «الگوی سوم زن» را تحقق بخشید. الگوی سوم تعریفی بین زن متحجر خانه نشین و زن غربی که عفاف برایش تعریف نشده است بوده و می‌توان آن را به زن با عفتِ فعال تعمیم داد که علاوه بر حضور در جامعه هویت و اصالت خود را حفظ می‌کند برای کسب ارزش خودنمایی نمی‌کند.

به طور کلی موضوع زن و رسانه همیشه ترکیب مهمی بوده است زمانی که زن در کنار رسانه قرار می‌گیرد اثر آن را چند برابر می‌کند و این دو به صورت هم افزا بر روی یکدیگر تاثیر می‌گذارند و یکدیگر را تکمیل می‌کنند.

امروزه به دلایل پیشرفت تکنولوژی و ارتباطات و تاثیر رسانه ها و فضای مجازی بر روی مردم بخصوص زنان و دختران ضرورت دارد به موضوع الگوی سوم زن مسلمان و چالش های رسانه ای پرداخته شود. این پژوهش به دنبال پاسخ به پرسش و اهمیت ضرورت شناخت هویت زن و چالش های فضای مجازی و راهکارهای تحقق الگوی سوم می باشد.

همان گونه که اشاره شد مسائل زنان از گذشته تاکنون همواره مورد بحث و گفت و گو بوده با این حال موضوع الگوها از میان مسائل زنان واجد اهمیت خاصی داشته است

این موضوع به رغم اهمیتی که دارد آنگونه که باید مورد توجه قرار نگرفته است، عاطفه خادمی و فاطمه تقی زاده در مقاله مدل مفهومی موضوع زن در گفتمان انقلاب اسلامی به دنبال بررسی زن در منظومه فکری رهبر انقلاب در چه الگویی مفهویی تصحیح می شود هستن. زهرا امامی و حجت الله درویش پور در مقاله الگوی کنش بانوان و تاثیر آن بر فرهنگ سیاسی در گفتمان انقلاب اسلامی براساس الگوی سوم، به بررسی تاثیر الگوی سوم زن مسلمان بر فرهنگ سیاسی پرداخته اند، سوسن صفاروردی در مقاله بازنمایی حجاب زن مسلمان در رسانه غربی به بررسی بازنمایی رسانه های غربی از حجاب زن مسلمان از جنبه حقوقی سیاسی پرداخته است، مقاله هایی که به آنها اشاره شد به بررسی رسانه ها و فضای فضای بر روی زن و تاثیر آن و چه

چالش های می تواند به وجود بیاورد نپرداخته اند لذا این مقاله درصدد بررسی تاثیر رسانه ها و فضای مجازی و چالش های آن بر الگوی سوم زن است.

الگوی زن شرقی

اولین الگوی مطرح شده درباره زنان الگوی زن شرقی است که برگرفته از ادیان تحریف شده و مبانی جنسیت زده فلسفی یونان باستان درباره زنان است. این الگو در تاریخ مکتوب همه جهان قابل ردیابی است و در برخی از کشورها همچنان اجرا می شود. در این نگاه زن ذاتاً ضعیف، ناقص و درخور ترحم است. کار اجتماعی و مسئولیت اجتماعی نیازمند هوش، ذکاوت و قدرت است و تمام این ویژگی ها فقط در مردان دیده می شود و زنان بهره ای از این ویژگی ها ندارند؛ در نتیجه زن هیچ مسئولیت اجتماعی ندارد. به طور مثال سقراط وجود زن را بزرگترین منشأ انحطاط بشر می دانست. ارسطو زن را حاصل خطای طبیعت و نقص آفرینش می دانست و از نظر او زن فقط مرد ناکام است. نتیجه این نگاه به زن محدود کردن زن به خانه داری و فرزندآوری است. در این الگو زن شایسته زنی است که در خانه محصور است، حضور اجتماعی ندارد و از کسب علم نیز منع می شود. مثلاً فروید معتقد است زن فقط برای تکثیر نسل و خدمت به اهالی خانه آفریده شده است.^۱ این عقاید در مسیحیت و یهودیت تحریف شده ورود پیدا کرد و در قالب اسرائیلیات وارد اسلام نیز شد. از دیگر مبانی این الگو می توان به فسادانگیزی ذاتی زن و زنانگی اشاره کرد، در این دیدگاه حضور اجتماعی حتی با حفظ حیا و حجاب فسادانگیز و مخرب است و باعث سلب آرامش مردان است. این مبانی در ارتباط با زنان مثل یک نخ تسبیح به اشکال مختلف در الگوی سنتی کاملاً مشهود و مشخص است. این نوع نگاه به زن و زنانگی نه پشتوانه عقلانی و فلسفی دارد و نه پشتوانه دینی. اکثر این فلاسفه و اندیشمندان در مباحث انسان شناسی خود جنسیت را تا این حد دخیل نمی دانند پس نمی توانند در قوای نفسانی هم تا این حد تفاوت بین زنان و مردان قائل شوند. برابری زنان و مردان در بسیاری از تکالیف دینی، اصل و گوهر خلقت و بسیاری از کمالات وجودی، ناقض این نوع نگاه به زن است. حکیمانه بودن خلقت نیز خط بطلان دیگری به این نوع نگاه به زن می کشد. اگر قرار بود زن فقط در یک نقش محدود و خلاصه شود، چرا خداوند حکیم توانایی هایی مانند عقلانیت و اراده و اختیار را به زنان بدهد؟^۲

۱. عاطفه خادمی، تقی زاده، مدل مفهومی زن در گفتمان انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: منظومه فکری آیت الله خامنه ای، ۲۵۵-۲۴۵).

۲. امام موسی صدر، ترجمه ناظم و همکاران، زن و چالش های جامعه.

انقلاب اسلامی و تجدید حیات زن مسلمان

انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی همچنان که در همه ابعاد تحولی عمیق ایجاد کرد، در جهت تجدید حیات زن مسلمان نیز نقش تعیین کننده‌ای از خود بجا نهاد. ارزش‌ها را در این قشر جامعه متحول ساخت. اگر تا دیروز «طفیلی‌گری» دیگران و «برهنگی» ارزش بود، امروز «بازگشت به خویشتن» و «استقلال» ارزش است. اگر دیروز در میان توده‌ای از زنان آرایش کردن و خود را به اقسام مدهای غربی آراستن و در کوچه و خیابان و مجالس و محافل با ظاهری فریبنده ظاهر شدن نشانه ترقی و پیشرفت بود، به برکت انقلاب ورود به عرصه‌های سیاسی اجتماعی و فرهنگی و تجزیه و تحلیل حوادث و مسایل و حضور فعال در سرنوشت خویش داشتن، ارزش شد.

امام خمینی با نگرش عمیق خود در اوایل پیروزی انقلاب برای رهایی کامل از فرهنگ مبتذل غرب به زنان هشدار دادند، که «آدم شدن در گرو رها شدن از مدهای غربی است». به برکت تحول ارزش‌ها، جلوه‌های زیبایی در حیات بانوان مسلمان ظهور کرد، زنانی که فرزندان رشید خود را برای دفاع از اعتقادات دینی و ارزش‌های انسانی و استقلال و هویت خویش به قربانگاه فرستاده و مهم‌تر اینکه بر آن افتخار می‌کردند. مادرانی که فرزندان متعدد خود را برای قربانی شدن در راه دین تربیت می‌کردند و آن را برای خود افتخار می‌شمردند.

همسرانی که شوهران جوان خود را برای دفاع از حق و حقیقت به حضور در جبهه‌های نبرد تشویق می‌کردند و همه گرفتاری‌ها و مصیبت‌های فقدان آنها را به جان خریده و خم به ابرو نمی‌آوردند. در صورت شهادت آنان، فرزندان‌شان را چون پدر تربیت می‌کردند تا تداوم بخش راه آنان باشند. چه دختران جوانی که با کمال ایثار و فداکاری با جانبازان ازدواج کرده و با کمال رضایت به خدمت آنان در آمده و بر آن افتخار می‌کردند و شیرینی ایثار و فداکاری نسبت به مجاهد راه خدا را بر تلخی مرارت‌ها و دشواری‌های زندگی با جانبازان ترجیح می‌دادند.

در یک کلمه زنان با الهام از حضرت زهرا(س) و دخت گرامی‌اش زینب کبرا(س) فرهنگ ارزش‌های انسانی، فرهنگ «عفاف و تقوا»، «ایثار و فداکاری» و «مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی» را جایگزین «فرهنگ طفیلی‌گری» و «مدپرستی» و «برهنگی و بی بند و باری» نمودند. و اینک وظیفه ماست که در تداوم این فرهنگ و انتقال آن به نسل‌های آینده بکوشیم و جوانان را از عمق تحولی که به برکت انقلاب اسلامی رخ داده، آگاه سازیم.

الگوی زن غربی (الگوی فمینیستی)

در واکنش به الگوی زن سنتی، الگوی غربی و فمینیستی به وجود آمد. فمینیسم در تاریخ خود تحولات زیادی را پشت سر گذاشته و به دیدگاه‌های مختلفی رسیده است که شاید بهتر باشد به جای فمینیسم از کلمه فمینیسم‌ها استفاده کنیم. فمینیسم از زوایای اجتماعی و حقوقی و حتی اقتصادی قابل پیگیری است اما از نظر مبانی فلسفی و کلامی می‌توان گفت تحت‌تأثیر این مبانی رشد کرده است. می‌توان فمینیسم را به مثابه یک مکتب فلسفی نیز دید. فمینیسم انتقادهای بحق متوجه برخی از قوانین و شرایط اجتماعی و حتی مبانی جنسیت‌زده مسیحیت بیان کرده است اما در ادامه بشدت تحت‌تأثیر مبانی همچون تجربه‌گرایی، سکولاریسم، اومانیزم، لذت‌گرایی و سودگرایی قرار گرفت. تا جایی که نتایج این تأثیرات را در فمینیسم رادیکال شاهد هستیم که هم‌جنس‌گرایی را افتخاری برای زنان بیان می‌کند و به یک زن بریده از مبدأ هستی که از خانواده جدا شده است و پایبند ارزش‌های اخلاقی نبوده و به لذت‌گرایی و سودگرایی رسیده است، منتهی می‌شود. از دیگر مبانی فمینیسم لیبرال که شاید بتوان از آن به عنوان مهم‌ترین و البته سیاسی‌ترین جریان فمینیسم نیز یاد کرد، نفی تمام تمایزهای جنسیتی و بر ساخته دانستن تمام اختلافات زنانگی و مردانگی است. از نظر باورمندان به این نظریه در عالم خارج تنها انسان وجود دارد بدون هیچ اختلافی و تمام اختلافات در اندیشه و احساسات و تمایلات و... بر ساخته جامعه مردسالار است. نتیجه این نوع نگاه به زن چیزی جز از بین رفتن زنانگی و مردوار شدن زن نیست. حضور اجتماعی زن در این الگو از ابتدا معلول روابط اقتصادی پیچیده و در خدمت نظام سرمایه‌داری بوده است و زنان از دو جهت وسیله‌ای برای رسیدن این نظام به سود بیشتر بوده‌اند، هم در جهت نیروی کار ارزان‌تر و هم برای رواج فرهنگ مصرف‌گرایی. وضعیت زنان در این الگو در اکثر موارد از کنار هم قرار دادن این تکه‌های پازل تشکیل شده است که نتیجه‌ای جز تقلیل زنانگی در تنانگی، نگاه ابزاری به زن و فروپاشی کانون خانواده نخواهد داشت و تمام این عوامل بزرگترین مانع برای کنشگری زنان است. نکته مهم این است که در هر دو الگو زن مورد ظلم و ستم قرار خواهد گرفت و تنها شکل این ظلم و ستم متفاوت است.

غرب زن را از احساس امنیت اجتماعی تهی کرده است و این تنها در مسئله حجاب نیست. بلکه غرب با ایجاد هرج و مرج در روابط خانوادگی کانون خانواده را از میان برده است به نحوی که اکثریت قاطع زنان و مردان غربی تنها کسر کوچکی از سالهای عمر خود را در ازدواج می‌گذرانند و بیشتر سالها را در تنهایی سپری می‌کنند. این امر اگرچه برای جامع بسیار زیان بار است و مردان را نیز تحت فشار قرار می‌دهد. ام برای زنان که تلقات عاطفی قوی تری به همسر و به خصوص فرزندان خود دارد به مراتب تلخ تر است، از این رو زندگی زنان در غرب را باید یک تجربه تلخ کامی دانست که با محرومیت از ازدواج و اجبار به کار شدید و

یک نمونه موفق هستند اما این نمونه موفق در ذهن من نوعی باقی می ماند و سایرین از آن مطلع نیستند که ما همچنین زنانی هم داشتیم تا این اندازه شجاع تا این اندازه اثرگذار و در حال همراه با کنشگری اجتماعی و موفق از نظر اقتصادی و اجتماعی و... به همین دلیل تا زمانی که اینها جمع آوری نشوند ما نمی توانیم الگوسازی کنیم. شاید یک نمونه در ذهن ما باشد که قابل تعمیم به کل جامعه در ذهن ما نباشد اما زمانی که نمونه های متفاوت ببینیم از هر کدام از اینها نه فقط یک تصویر بلکه زندگی نامه نوشته شود و جمع آوری شود، آن زمان است که ما تعداد زن های موفق که می توانستند اثرگذار و کنشگر باشند را زیاد داریم و بعد می توانیم این را به بدنه جامعه به شکل فیلمنامه منتقل کنیم، به جامعه ای که قرار هست فیلم سازی کنند و دانشجویانی که در دانشگاه هایی مانند صدا و سیما و اخیراً دانشگاه جامع امام حسین (ع)، رشته های کارگردانی و فیلم نامه نویسی اینها قطعاً در حوزه تحصیلی خودشان باید کتاب مطالعه کنند و باید مستندات بخوانند. اگر این تیپ کتاب های مستند راه خودش را به محافل دانشگاهی و به حوزه مطالعات کسانی که می خواهند فیلم سازی و سریال سازی کنند باز کند، کم کم باور آنها هم در این زمینه ساخته می شود که ما زنان موفق دیگری هم داریم، یعنی شاید یک مسئله عمده ما این باشد که اینها ذهنشان تهی از الگوی زن موفق ایرانی باشد در حالی که اگر این تجربیات ذهنی شان را افزایش بدهیم ابتدا خود این افراد را نسبت به موفقیت زنان ایرانی مان باورمند می کنیم و بعد آن زمان است که اینها با باور آنچه که به آن رسیدند را فیلم سازی می کنند و به جامعه منتقل می کنند. خوب اینها هم می تواند سینه به سینه باشد و هم می تواند با برنامه تلویزیونی خوب که از افراد مختلف و زنان موفق مصاحبه بگیرد و زندگی های آنها را مستندسازی کند و هم کسانی که کتاب نویس هستند که ما می بینیم این روزها خود زن ها راوی می شوند و کتاب می نویسند از زندگی شهدا یا زنان شهدا یا زنان مؤثر در جنگ و این می تواند تعمیم پیدا کند به سایر عرصه ها و تبدیل به گنجینه های بزرگی شوند. همین که ما تعداد کارهایی که از زنان موفق داریم زیاد شود، خودش می تواند انگاره های ذهنی جامعه را شکل بدهد. تصاویر متعدد ذهنی از موفقیت زنان ایجاد کردن، نشان می دهد پس در این فضا و با این فضای ذهنی هم می شود زنان موفق بود.^۱

یک نکته مهم دیگر اینکه یکی از دلایلی که موضوعات را نقض و بی اثر می کند این است که ما به طور مداوم به خصوص اینکه می دانیم در جنگ رسانه ای هستیم، در ویکی پدیا و یا جاهای دیگر می بینیم زنان موفق را به طور دائم دارد زنان بی حجابی معرفی می کند که مثال توانسته در مقابل خانواده بایستد و خواننده و رقاصه شود و یا مثال مد را وارد کشور کند! در حالی که همان زمان هم ما زنان موفق بسیاری داشتیم که در علم پزشکی در آموزش به ناشنوایان و نابینایان یا زنانی که تحصیلات عالیه داشتند و توانستند اثرگذاری کنند. ضمناً ما الگوهای خودمان را صرفاً از جمهوری اسلامی نباید بگیریم یعنی باید برگردیم حتی به زنان

۱. عطارزاده، رسانه ها و بازتاب هویت زن در عرصه عمومی

عفیفه ای که قبل از انقلاب اینها نقش آفرینی کردند و آن نقش آفرینی رسیده به اینکه حال ما در این زمان هم توانستیم تداومش را ببینیم. به عنوان مثالی دیگر، ما همیشه از شعرای قدیم مثال پروین اعتصامی صحبت کرده‌ایم! اما هیچگاه عنوان نکرده‌ایم که پروین اعتصامی در زمان کودکی خودش چگونه توسط پدرش به او بها داده می‌شد و رشد می‌کرد. مثال اولین شعرش را در ۱۵ سالگی نوشته! شعر بسیار پراثرش که در کتاب‌های درسی چاپ شده، شعر ۱۵ سالگی ایشان است! نکته مهم دیگر این است، برای کسانی که به غلط فاحش از زن زندگی آزادی و حجاب اجباری که اسلام تحمیل کرده صحبت می‌کنند، بیاییم پیشینه غنی زن ایرانی را مثال بزنیم، و بگوییم زن ایرانی از زمان جمهوری اسلامی شروع نشده است، بلکه زن ایرانی یک ریشه قدیمی قوی دارد. تصاویری که ما بر روی دیوارنوشته‌های تخت جمشید می‌بینیم از زنان و مردان کاملاً پوشیده و با صلابت است. پس ما تقویت ریشه ایرانی که اصالت را برای افراد ایجاد کند و به آنها حفظ اصالت بدهد، حس ریشه دار بودن به آنها بدهد و اینکه زن محجبه از دیروز و امروز شروع نشده بسیار موضوع مهمی است. چون آنها این احساس می‌کنند که ما را عوض کردند و ما را به زور و به اجبار، تغییرمان داده‌اند. در حالی که ما می‌خواهیم بگوییم ما این بودیم، ما داریم باز تعریف می‌کنیم آنچه که زن ایرانی بوده! در اصالتش و در ریشه اش بوده اما جاهایی دچار آسیب شده و این آسیب را می‌خواهد ازش دور کند و این در ریشه و فطرت انسان بوده از سال‌های پیش در خون زن ایرانی بوده و در خانواده ایرانی جاری بوده است. یکی از راه کارهای مهم دیگر در بحث الگوی سوم زن، بحث شبکه سازی هست.^۱

شبکه سازی در هر عرصه‌ای چه در شبکه‌های اجتماعی و چه در فضای واقعی، همواره ایجاد یک پشتوانه گرم اجتماعی و فرهنگی است. افراد ممکن است که به بسیاری مسائل به تنهایی و به صورت فردی معتقد باشند اما ممکن است هر کدام از ما در زمان‌هایی در بحران‌هایی از زندگی قرار بگیریم، که ما را متزلزل کند، یا شرایطی در زندگی افراد ایجاد شود که آنها را دچار شک و تردید نسبت به خیلی از مسائل کند، این است که این شبکه بودن و احساس تعلق اجتماعی داشتن باعث می‌شود که افراد از خیلی از آسیب‌ها مصون بمانند و دقیقاً یکی از موضوعاتی که به شدت در موضوع تأثیرگذاری فرهنگی مهم است، بحث احساس تعلق است؛ زمانی که افراد تحت تأثیر گروه‌های فکری خاص و یا در شرایط و موقعیت‌های خاصی در زندگیشان قرار می‌گیرند، آن احساس تعلقی که به جمع دارند باعث می‌شود که از بسیاری مشکلات و اشتباهاتی که ممکن است با آنها درگیر شوند، رها بشوند یا در واقع از اینکه مغایر با افراد کنش اجتماعی داشته باشند خجالت بکشند. زمان‌هایی که یک شخص احساس تنهایی و ترس می‌کند، اگر تعلق اجتماعی وجود داشته باشد و شخص خودش را متعلق به یک گروه پرتعداد قدرتمند بداند دیگر این ترس وجود ندارد و در واقع اثرات ناشی از آن ترس از بین می‌رود! به همین دلیل احساس تعلق به یک جمع بزرگ و یک گروه قدرتمند که هر اندازه

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آیت الله خامنه‌ای، موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

پر تعدادتر باشد قدرتمندتر است و هر اندازه توجه به افراد در آن فضا بیشتر باشد، فرد احساس تعلق بیشتری می‌کند، این موضوع مصونیت‌های بیشتری را ایجاد کرده و باعث می‌شود که آن اصالت هم برای فرد حفظ شود.^۱

۱. عطارزاده، رسانه ها و بازتاب هویت زن در عرصه عمومی، شماره اول.

نتیجه‌گیری

در نهایت با توجه به مطالب که بیان گشته، در جامعه کنونی ما، نقش رسانه‌ها و مخصوصاً حوزه رسانه‌های دیداری و شنیداری و برنامه‌سازی بسیار مهم می‌باشد. رسانه‌ها باید بتوانند با استفاده از تکنیک‌هایی هم چون انگاره‌سازی، برجسته‌سازی، ذائقه‌سازی و... این فضای کنونی را مدیریت داشته باشند و به زنان در شکل‌گیری هویتشان و جدا کردن آنها از موضوع ابزاری بودن و مدزده شدن و تقلید کورکورانه کمک نمایند.

بنابراین از آن جایی که در غرب کلان روایت‌هایی در مورد زنان اسطوره‌ای وجود دارد که زنان را جنگجو و قدرت طلب معرفی می‌نماید و در عین حال تمامی نمادهای جنسی را دار است در مقابل در ایران در مورد زنان اسطوره‌ای روایتی نداریم و همین تفاوت نشان دهنده‌ی پیروزی غرب می‌باشد در نتیجه اگر می‌خواهیم یک الگوی درست از زن مسلمان ایرانی تولید کنیم باید روایتمان را از دو حوزه بگیریم: یکی اسلام و دیگری ایرانیت. در حوزه ایرانیت باید از شاهنامه کمک گرفته شود چرا که فردوسی همان وجه اسطوره‌ای که از زن مدنظر ما می‌باشد را ساخته است اما تاکنون به آن پرداخته نشده است. فردوسی در شاهنامه از حماسه یک زن قهرمان، در جنگ با سهراب می‌گوید که چگونه با ورود این زن قهرمان و با حجاب و پوشش، سپاه دشمن از هم متلاشی می‌گردد و اینگونه زن ایرانی را بازنمایی می‌کند. یعنی در برابر جنگ‌آوری و برهنگی زن آمازون ما چنین زنی را داریم! که با حجاب مبارزه می‌نماید و این همان روایتی می‌باشد که می‌توانیم در حوزه هنر و رسانه، آن را بازنمایی کنیم. غرب رسیدن به قدرت را با برهنگی نشان می‌دهد در نتیجه رسیدن به الگوی مطلوب مدنظر ما از زن مسلمان مستلزم آن است که رویاهای اجتماعی‌مان را تبدیل به روایت کنیم و اسطوره بسازیم.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم

۱. امام موسی صدر، مترجم احمد ناظم و همکاران، زن و چالش‌های جامعه (۱۴۰۱). جستارهایی درباره مسائل زن و خانواده و جوان، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
۲. امانوئل کاستلز، شبکه‌های خشم و امید، جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت ترجمه مجتبی قلی‌پور، نشر مرکز
۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله العالی)، موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۴. تبیان، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره). (۱۳۸۶). آثار موضوعی، دفتر هشتم.
۵. حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله العالی)، گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، انتشارات انقلاب، ۱۳۹۵.
۶. خادمی، عاطفه؛ تقی زاده، فاطمه. (۱۳۹۵). مدل مفهومی زن در گفتمان انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای (زن در توسعه و سیاست)، دوره ۱۵، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵، ۲۴۵-۲۵۵).
۷. دن لافی، ترجمه یونس نوربخش، موضوعات کلیدی در نظریه رسانه‌ها. (۱۳۹۵). انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. ریچارد دین جنکینز، مترجم تورج یاراحمدی، هویت اجتماعی. (۱۳۸۱). نشر شیرازه.
۹. عطارزاده، مجتبی، رسانه‌ها و بازتاب هویت زن در عرصه عمومی. (۱۳۸۸). مجله علمی - پژوهشی تحقیقات زنان، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان.
۱۰. نقدی، اسدالله و همکاران. (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناختی بازتعریف هویت اجتماعی زنان در پرتو تمایلات مصرف‌گرایانه مورد مطالعه: زنان متولد دهه‌های ۴۴، ۵۴ و ۵۴ شهر تهران. جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و نهم، شماره پیاپی (۵۲)، شماره چهارم.
۱۱. هویت زن از منظر اندیشه‌های قرآنی آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)
۱۲. بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۷۹/۶/۳۰
۱۳. <http://idea.iust.ac.ir/find>